

انقلاب می تواند دوباره پیروزی قطعی و نهایی دست یابد

*** تدارک تدریجی و ضربتی
ضد انقلاب را عقیم گذاریم
* گوش بزنگی و آماده باش
انقلابی شعار روز است**

ضد انقلاب بوسیله باندهای مختلف تروریست، شاهپادگان، مأموران خرابکاری در رسته های صنعتی، اداری و بازرگانی، مسلطه باز و غیره، عمل می کند. هدف ضد انقلاب، قبل از هر چیز، منقرض کردن انقلاب و نیروی اصیل انقلابی است (که حزب ما را بدست و بطور قطع یکی از آن نیروها می باشد). ابتدا نسبتاً به پیشرفت کار ضد انقلاب در منقرض کردن نیروی انقلابی کم بها داد و به پیروی سزا بیست که خط فکری تدریجی و کمی ضد انقلاب برای تدارک یک تکرار گویی - چنانکه مرسوم است - خطی کوچک و ناچیز تلقی شود.

آری، بر خط ضد انقلاب بیستون غلبه کرده اگر با آن بدست نیایند شود، ولی اگر مقابله نشود و یا بدست نیایند مقابله شود و بر تاج انتقام گذشته بفرار دوم، زمانی چشم می کشانیم که دیگر دیر است.

ضد انقلاب در چند عرصه شدیداً عمل می کند: (الف) در عرصه استبداد، سیاسی و ایدئولوژیک علیه انقلاب، برای اثبات آنکه انقلاب فقط چیزی به ایران نداده و نبوده، بلکه رفیعاً پدر کرده و به تمام جهان منت گشته، چنان مبنی تازه ای افزوده است. کوشش فراوانی برای سیام کردن چهره های زجال سیاسی دوران انقلاب و بویژه چهره های احترام شخص امامیه، رهبر انقلاب، انجام می گیرد. شایعه ها و تملک های زننده باین شیوه استبداد علیه انقلاب بین کس می کند. پاسخگویی رسانه های گروهی دوران انقلاب باین موج گل آلود، که در میان مردم میگرد، بسیار ضعیف است. افزایش طبقه فکری و سرمایه دار گرائی، توسعه بیکاری، تشویش به کارگری، تحریک به اعتصاب و تصنع، هرج و مرج در موسسات تولیدی و اقتصادی، نابود کردن محصول و غیره، در این زمینه کار بیشکل وسیعی انجام می گیرد.

بقیه در صفحه ۷

انقلاب ایران پس از مبارزات و دستاوردهای مهم و برآورد خود علیه استبداد سلطنتی و امپریالیسم آمریکا، اینک وارد دورانی میشود که طی آن بر مشکلات انقلاب افزوده میشود و توطئه های پیرامونی و جنگ های داخلی و رگبار گاه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی جدت و افزایش بیشتری می یابد. زیرا دشمن انقلاب ایران، که درازای ضربات گزیده و متاعه آسای آن مبدی گنج و جنگ بود و تنها درصدد آن بود که جانی از سبک باشد، برده این فرصت یافته است که در خارج و داخل کشور مشکل شود. روزنامه ها، رادیوها، سازمانهای علمی و مخفی ضد انقلابی در داخل و خارج از کشور با آماده و تحریکات مربوط به بازنده خردا شیر (که حزب ما درباره آن هشدارهای مکرر داد) نموداری است از اقدامات پلای ضد انقلاب.

تاکتیک ضد انقلاب در اینجا همان تاکتیک کلاسیک است. ضد انقلاب بوسیله عوامل خود که در میان نیروهای راست افراطی جا داده است، پنهان می یابد. عوامل ضد انقلاب که در میان چهره ها و چپ افراطی جای گرفته اند، این پنهانها را بل می گیرند و در اطراف آن حادثه یا جنجال بران می اندازند و بویژه خود این جنجال و حادثه مورد استفاده عوامل ضد انقلاب در بین نیروهای راست افراطی قرار می گیرد.

در گروستان این منظره به شکل کلاسیک دیده می شود. امروز دیگر روشن است که در همین بزده حوادث خوبین و درود که گروستان و شهرهای مختلف آن، چگونه در زیر رهبری اداره کننده واحد (که با روابط چندگانه و چندگونه نیروهای را در میانه و راست می چرخاند) از این سو و آن سو گل آلودهای فریاد افرازان بروز کرده است و آنچه چاههای پاک و بی گناه برپاد رفته است و می رود و اگر سلسله گروستان از راه سیاست امین و با تأمین حقوق ملی خلق گردد حل نشود - خواهد رفت.

ضد انقلاب در هاله های در میان تمام قشرهای ناراضی جامعه بطور مستقیم و غیرمستقیم یارگیری می کند.

موضع جدید سازمان چریک های فدائی خلق ایران و واکنش ضد انقلاب

و سیاستهای امپریالیسم روسیه در ایران هستند و لذا باید به آنها شتاد داد. این سیاست معادلات تازه نیست. سالیان دراز است که امپریالیسم آمریکا با این اشیاء و یاوه ها می کوشد بیکری ترین دشمن خود را از میدان ببرد. عین یاوه های معادلات را ارگان رسمی گروهک آمریکائی - چینی در تهران، یعنی نامه درنبر، تکرار می کند. اینان هم سه مقاله صفحه اول خود را به دشنام به چریکهای فدائی اختصاص داده اند و موضع گیری جدید آنها را تحت خطری برای ملت ما و برای مین هاد (درنبر - شماره ۵۹) ارزیابی کرده اند. این نوزدهم و بیست و یکم از زبیر در نهایت، موضع گیری درست چریک های فدائی و دیگر نیروهای انقلابی به تشکیل جبهه متحد خلق منجر خواهد شد، که رنگ خطری است برای ملت و مین - آقاخان درنبر، و معادلات، پیش نایع امپریالیسم آمریکا، برای ضد انقلاب و برای این گروهکهای میاه ساخته. آنچه ختم گروهکهای مائوئیستی را برانگیخته، اینست که چریکهای فدائی اعلام کرده اند: «حکومت گمراهی هیهات که بارها اسلام داشته ایم، حکومتی وایسته نبوده و نیست» (هانجا - شماره ۵۹) و «ما مصممیم که پیش و پس برای استقرار صلح در گروستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم» (هانجا).

توجه کردید! درنبر، که خود را مدافع انقلاب می داند، از اینکه چریکهای فدائی حکومت ایران را وایسته نمی دانند و خواهند صلح در گروستان هستند، به خشم آمده است! راستی که دم خروس بهنجوری می داند! و سرانجام درنبر، مأموریت معادلات را بیان می داند و گستاخانه، دروازه ۵۴ کشور جهان از جمله نایندگان هم کشور - های سوسیالیستی غیر از چین، در ایران مداخله نظامی آمریکا را محکوم می کند و از تهاجم نظامی آن سخن می زند، اعلام می کند که چریکهای فدائی قصد دارند و دست به «کودتای روسی» بزنند! چنین است موضع بعضی از ضد انقلاب ها و دلایل موضع ضد انقلاب، بعد از موضع گیری سازمان چریکهای فدائی خلق به سمت نظامیان انقلاب ایران!

ضد انقلاب به هراس افتاده است. دست پروردگان سازمانهای چوسوسی امپریالیستی - مائوئیستی به دست و پا افتاده اند. بازوهای امپریالیسم خونخوار آمریکا، که تقاب دفاع از انقلاب بر چهره زده اند، به زوزه کشیدن افتاده اند. دشنام میدهند، تحریک می کنند و فریاد واهی سر میدهند. همه آنها که تا دیروز برای فدائیان خلق کف میزدند و «بویچه» میچیدند، هرگز از دشمنان می گردانند، اکنون آنها را دشمن انقلاب می دانند و دشمنان می دهند. چه شده است! چریکهای فدائی خلق ۳۳ مثنی در مسندت می ریزد. پسوی دفاع از انقلاب برانشته اند و همین امر خشم ضد انقلابیون را برانگیخته است.

ورق باره های تریچه های یک روز و یک روز دیگر، از گسترش یکدست و نفرت انگیز آنها علیه چریکهای فدائی خلق، پس از انتشار دکاره ۵۹، به اوج نموده و خشم خود رسیده است. در این ارگست ضد انقلابی، همه مائوئیست ها با هم میخوانند! همه آنها تقسیم کار ضد انقلاب بین مائوئیست ها، که تاکنون در خورش حمله یکدست به حزب توده ایران بود، اکنون در حمله یکجناخت به چریک های فدائی خلق بار دیگر می میرود.

بعد از پیروزی انقلاب، مائوئیست ها دو دسته شدند: گروهی رسماً به دشمنی با انقلاب پرداختند و خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی شدند. گروه دوم رسماً جمهوری اسلامی پرداختند و عملاً فعالیت ضد انقلابی گروه اول را برای سرنگونی انقلاب دنبال کردند.

هم دو دسته، از زمانی که موضع سازمان چریکهای فدائی خلق به سود انقلاب بود، بنیان دیده و «همچنین» نثار چریکهای فدائی می کردند. بعد از موضع گیری جدید سازمان چریکهای فدائی خلق، که دست آن بسوی «دفاع از انقلاب است»، دسته اول مائوئیست ها، که رسماً خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران هستند، به این پناه «دروغ» که چریکهای فدائی خلق از سرنگونی رژیم ضد انقلابی، منصرف شده اند، آتش دشنام را بر روی آنها کشیدند.

قدماً می بایست متذکر شد، که به ظاهر مدافع انقلاب هستند، از این اس خوشحال شدند و از حضور فعال چریکهای فدائی خلق در جبهه انقلاب استقبال کنند. اما همین جا بود که بار دیگر ماهیت ضد انقلابی اینس ریاکاران به آشکار شد و دیده و «همچنین» به دشنام لجام کینه تبدیل گردید. درنبر، و معادلات، خود به صراحت اعلام میدارند که ملت دشمنی بیکاره آنها

مصاحبه اختصاصی نماینده حزب کمونیست لبنان در کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران با نامه هم مردم

تجاوز نظامی به ایران نشانه چهره غارتگر امریکا است

صفحه ۷

دبیر اطلاعات و فرهنگی اتحاد سوسیالیست عرب:

امریکا نمیتواند راهی جزدشمنی با خلقهای جهان در پیش گیرد

صفحه ۸

نماینده سازمان وحدت کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین:

امپریالیسم آمریکا هنوز دشمن اصلی انقلاب ایران است

صفحه ۹

نامه مردم

از کان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۵۵
شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۵۱

نماینده کوبا: ایران و کوبا در جنگ علیه آمریکا متحد یکدیگرند

صفحه ۲

در صفحات بعد

ستیز عنودانه با مار کسپیس، مشاور بدی است

صفحه ۳



ساختار و فوطیس بی نام و نشان انقلاب بر کارگران بیمارستانها در مشهد چه میگذرد؟

صفحه ۴

مسائل کارگری - صفحه ۴

دست واسطه ها را از جان دهقانان ملک آباد کوتاه کنید!

مسائل دهقانی - صفحه ۵

هجوم امپریالیسم و ارتجاع به دست آوردهای دیمکراتیک خلق ترکیه افزایش مییابد

صفحه ۸

امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی اعراب و مسلمانان

اینکه امپریالیسم آمریکا میکوشد با دستگیری رژیم های دست نشانده خود در کشورهای اسلامی، از جمله زیر نام «دفاع از اسلام» مقاصد پلید خود را از پیش ببرد، اینک دیگر بر همه نیروهای ضد امپریالیست در کشورهای اسلامی روشن است.

برای اینکه خوانندگان گرامی نامه «مردم» از نظر گاه نیروهای مترقی در کشورهای عربی و اسلامی در این زمینه آگاه شوند، ما خلاصه سرمقاله روزنامه «نداء الشعب» ارگان حزب کمونیست سوریه را درباره کنفرانس کشورهای اسلامی، که در ژانویه ۱۹۵۹ تشکیل شده بود، درج میکنیم.

در اواخر ماه ژانویه، در اسلام آباد، پایتخت پاکستان، کنفرانس فوق العاده ای از کشورهای مسلمان، با شمار فریبده «دفاع از اسلام» در افغانستان علیه «مداخله» موموم شوروی، برگزار شد.

موت از این کنفرانس، رسماً به ابتکار رهبران حزبان سوسی و پاکستان انجام گرفت. ولی ترتیب دهندگان واقعی کنفرانس میزور، دولت کلاز و سازمان های اطلاعاتی آمریکائی بودند.

ابتدا پیش بینی شده بود که این کنفرانس روز ۲۶ ژانویه، یعنی روز عادی شدن روابط میان مصر و اسرائیل، گشایش یابد، و این خود نوعی «دعوت» به ملت عرب و توده های عظیم مسلمان در سراسر جهان بشمار می آمد. اما هوشیاری ملت ها و کشورهای جبهه پایداری، که

بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم